

به بهانه پنجاه و ششمین سالگرد کودتای ننگین ۲۸ مرداد پاسخی به سلطنت طلبان رنگارنگ



سلطنت دموکراتیک حرف مفت است

سلطنت طلب شاه دوست خود را دموکرات جا می زند. سلطنت طلب شاه دوست مدعی است که بین وی که “دموکرات” است و شاه الهی های سلطنت طلب فرق اساسی وجود دارد. آنوقت برای بیان این فرق اساسی اینگونه استدلال می کند که یکی به رای مردم “احترام” می گذارد و دیگری برای رای مردم تره هم خورد نمی کند. یکی سلطنت را حق طبیعی و ازلی شاه می داند و دیگری که “دموکرات” است آن را به رای مردم می گذارد و تنها حکم تائید مردم را بر نظر خودش قبول دارد. حال اگر مردم برای بار سوم نیز شاه را از مملکت بیرون کردند آنها جر زده و مایلند که این بازی را تا بجائی برسانند که مردم از روی ناچاری به آنها رای دهند. یکی از همان تاکتیکهای سابق استفاده می کند و دیگری آن تاکتیکها را فرسوده دانسته و خواهان رنگ عوض کردن است. فرق آنها در این است که یکی به زور می خواهد سلسله منفوری را که انقلاب مردم منقرض کرده است مجدداً بر سر کار آورد و دیگری می خواهد بر نظر مردم تف کند، بریش تاریخ بخندد و با آرایش دموکراسی خواهی به میدان آید تا آنچه را که سلطنت طلب قلچماق بزور چماقش نمی تواند بگیرد این یکی به زور زبانش به کف آورد. سلطنت طلب نمی تواند ماهیتا دموکرات باشد. زیرا نفس اعتقاد به این که مملکت باید اربابی مفتخور و طفیلی داشته باشند که بطور ارثی و به علت خویشاوندی خونی زمام امور را در دست بگیرد و هزینه سرسام آور بریز و بیاشهای دربار و توله های ریز و درشت آنها را به مالیات مردم تحمیل کند و مردم بیچاره جان بکنند و نیازهای شکم و زیر شکم آنها را تامین کنند ضد دموکراتیک ترین تفکری است که یک فرد در قرن بیست و یکم می تواند به آن اعتقاد داشته باشد. سلطنت یعنی حکومت آقا بالاسرها به اعتبار گروه خونی. پیشنهاد پذیرش ولایت این آقا بالاسرهای بی مایه، توهین مستقیم به مردم و تحقیر و خوار دانستن آنهاست. این شاهدوستان “دموکرات” برای ابدی کردن پدیده ای که به ابدیت پیوسته از تحقیر ملتشان نیز ابا ندارند. آنها به سنتهای زنگار گرفته ای استناد می کنند که برای شادمانی و شفای جامعه دورانداختنی است. سلطنت شکلی از حکومت است که به گذشته تاریخ تعلق دارد و اینکه پس مانده های آن هنوز در دوران جدید باقی مانده است از عتیقه بودن آن ذره ای نمی کاهد.

قیاس سلطنت با جمهوری، قیاس کاذب و عوامفریبانه ای است. زیرا جمهوری می تواند دموکراتیک و یا ضد دموکراتیک باشد ولی سلطنت ماهیتاً و همیشه در قرن بیستم و یکم یک حکومت ضد دموکراتیک بوده و خواهد بود.

سلطنت طلب ضد دموکرات است زیرا به نیروی مردم اعتقادی ندارد به جمهوریت که بیان تاریخی نیروی مردمی است اعتقادی ندارد. ضد دموکرات است برای اینکه می خواهد هر سفیه و هرزه ای به اعتبار خویشاوندگی خونی بر

میلیونها انسان عاقل حکومت کند و جد اندر جد از کیسه ملت مفتخوری کند و برای کاری که نکرده حقوق کلان بازنشستگی دریافت کند آنهم بجز اینکه با ضیافت‌های ملت بر باد ده و خزانه خالی کن خدمتی به این کشور کرده باشد. گفته می شود که ما همانقدر جمهوری های ضد دموکراتیک داریم که سلطنت‌های دموکراتیک وجود دارند. باین جهت جمهوری و سلطنت همترازند. از این بی مایه تر استدلالی نمی توان عرضه کرد. “محسنات” حکومت سلطنتی نه متکی بر ماهیت سلطنت و برتری ماهوی آن بلکه با اتکا به کاستیهای جمهوری توضیح داده شده و تعریف می گردد. همین نوع استدلال بیان طفیلیگری سلطنت است. توضیح ورشکسته آنها این است که سلطنت “خوب” تالی “جمهوری بد” است. سلطنت طلب “دموکرات” آنقدر بزدل است که از قیاس جمهوری خوب و سلطنت “خوب” طفره می رود. سلطنت طلب “دموکرات” فقط در بازار آشفته فکran و وادادگان سیاسی می خواهد از آب گل آلود ماهی بگیرد. سلطنت طلب با شانتاز به شما حمله می کند و مدعی می شود هر کس سلطنت را به بازی دموکراسی نگیرد و به “دموکراسی” گردن نهد دموکرات نیست. این اندیشمندان مردم فریب تاریخ را به فراموشی می سپارند که مردم ایران یکبار شاه را در ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ فرار دادند و وی به یاری سی. آی. ا. و کودتای ضد مردمی بر سر کار آمد و بار دیگر در انقلاب شکوهمند و تاریخی ۲۲ بهمن ریشه این خاندان را بریدند و سلسله پهلوی و شاهنشاهی در ایران را برای همیشه منقرض کردند. پس ما از شما می طلبیم که آقایان “دموکرات” به رای مردم احترام بگذارید و یک بار برای همیشه گور سلطنت را همانگونه که مردم کردند شما نیز بکنید. اگر در همان روز ۲۲ بهمن صد بار دیگر نیز بطور جداگانه از مردم میهن ما رای می گرفتند که با بقاء رژیم سلطنت موافقت یا خیر مسلما مردم آگاه میهن ما نفرت خویش صد بار از سلطنت ابراز می داشتند. اینکه رژیم جمهوری اسلامی از نفرت مردم ایران نسبت به سلطنت سوء استفاده کرد تا رژیم اسلامی را جایگزین آن کند ذره ای نیز از درجه نفرت مردم میهن ما از رژیم سلطنت نمی کاهند. انقلاب بهمن بهر صورت برای روبیدن رژیم سلطنتی و محو سلاطین بود و روی کار آمدن رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی جنایتکار کمکی به کسب آبرو برای سلطنت نمی کند. ولی سلطنت طلبان این حکم روشن و پاسخ صریح مردم ایران را قبول ندارند زیرا ضد دموکرات اند. زیرا فقط به تصمیماتی گردن می نهند که منافع رژیم وابسته به امپریالیسم سلطنت را تامین کند. توسل آنها به رای مردم و برجسب اتهام به جمهوریخواهان از اعتقادشان به مردم نیست از کینه ایست که نسبت به مردم دارند.

ما بار دیگر باین سلطنت طلبان مزدور می گوئیم که به رای مردم ایران در روز تاریخی ۲۵ مرداد سال ۱۳۳۲ و ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ گردن نهید. سلطنت مرد و قابل برگشت نیست.

البته این سلطنت طلبان کلاش که برای آرایش سلطنت بیاد دموکراسی افتاده اند بخوبی واقفند که نه رضا خان قلدردموکرات بود و نه فرزند خلفش محمد رضا شاه دموکرات بود. ولی این آقایان یک شبه “دموکرات” هم از دیکتاتوری رضا خان و هم از دیکتاتوری فرزندش حمایت می کنند و درجه بیشرمی را تا بجائی می رسانند که دیکتاتوری و استبداد رضا خانی را که زمینخواریش ماوراء هر قانون بود و نفت ایران را دودستی برای ۶۰ سال تقدیم امپریالیست انگلستان کرد و قرارداد استعماری “دارسی” را تجدید نمود مترقی جلوه داده و استبدادش را نیاز جامعه قلمداد می کنند. این سلطنت طلبان “دمکرات” حاضر نیستند حتی به سخنان خود احترام گذارده و این پدر و پسر دیکتاتور و خیانتکار به منافع ملی و گماشته امپریالیستها را محکوم کنند و ضد دموکرات بنامند. همین طفره رفتن از محکوم کردن این پدر و پسر دیکتاتور و ضد دموکرات افشاء گر ماهیت ضد دموکراتیک آنهاست.

گفته می شود ما سلطنت دموکراتیکی می خواهیم نظیر سلطنت پادشاه اسپانیا. خوب است در این زمینه چند کلمه ای گفته شود.

مردم اسپانیا در یک انتخابات دموکراتیک سلطنت را منقرض کرده و به جای آن جمهوری را برگزیدند. سلطنت طلبان جنایتکار اسپانیا مانند سلطنت طلبان ایرانی بزیر بار این تصمیم اکثریت شکننده مردم نرفتند و به رای مردم گردن ننهاده و در عوض با یاری نازیهای آلمان، فاشیستهای ایتالیا که از ژنرال فرانکوی فالانژیست حمایت می کردند با یاری سربازان مراکشی به قتل عام جمهوریخواهان برخاسته و تا زمانیکه خطر بازگشت جمهوری را احساس می کردند با چکمه آهنین فاشیستی در اسپانیا حکومت کرده به قتل عام مردم پرداخته و سرانجام فرانکوی فالانژیست و همدست هیتلر- موسولینی در آستانه مرگش با یاری سازمان جاسوسی آمریکا پادشاه کنونی اسپانیا از خانواده بوربون ها را بدنیا آورد. سلطنت اسپانیا سلطنت چرک و خون فاشیسم است و با زور و جنایت و بی احترامی به آراء و عقاید مردم استوار شده است. این رژیم سلطنتی بر خلاف میل مردم اسپانیا هواداری خویش را از شرکت اسپانیا در جنگ عراق اعلام داشت و به قتل عام مردم عراق صحه گذارد. دست این رژیم سلطنتی به خون مردم عراق آغشته است. این رژیم سلطنتی از رژیم شاه کمکهای کلان مالی دریافت می کرد و دسترنج زحمتکشان ایران را به حلقوم نیروهای دست راستی اسپانیا می ریخت تا مبادا نیروهای چپ در اسپانیا قدرت را بر کف گیرند(مراجعه کنید به کتاب خاطرات

اسدالله علم خواجه دربار محمد رضا شاه-توفان). وی بخشی از خانواده ارتجاع جهانی و همدست محمد رضا شاه منفور است. این رژیم سلطنتی تا به امروز مجسمه های ژنرال فرانکوی فاشیست و دیکتاتور، همدست هیتلر و ضد دموکرات را که سلطنت را مجددا در اسپانیا بر سر کار آورده است در میدانهای شهر برای مجازات و تنبیه و ارباب مردم استوار نگاهداشته است. ارتش فالانژیستهای فرانکو، گاردیا سویل شکنجه گر را دست نخورده باقی گذارده است. این رژیم سلطنتی مانع از آن است که گورهای دسته جمعی جمهوریخواهان گشوده شوند و ۳۰ هزار جانباختگان خلق اسپانیا شناسائی شده و با افتخار بخاک سپرده شوند. این رژیم سلطنت مبتکر گورهای دستجمعی “خاوران” در اسپانیاست است و ۷۰ سال زودتر از رژیم جمهوری اسلامی دست بکار شده است. این رژیم ضد دموکراتیک و مولود فاشیسم از خانواده سلطنت منقرض شده ایران در جشنهای خویش دعوت رسمی به عمل می آورد و آنها را در کنار ضد دموکراتیک ترین سلاطین جهان جای می دهد تا جبهه جهانی ارتجاع سیاه را کامل کنند. این اقدام ضد دموکراتیک و توهین مستقیم به ملت بزرگ ایران است. این رژیم سلطنتی به انقلاب شکوهمند و ضد سلطنتی بهمن و رای مردم ایران بی احترامی می کند. این رژیم نه تنها دموکرات نیست بلکه نمای عوامفریبی در اسپانیاست تا بعنوان نماد “وحدت ملی” از شدت مبارزه طبقاتی بکاهد و در خدمت عوامفریبی نقش ضد تاریخی خویش را ایفاء نماید. رژیمهای سلطنتی بلژیک، هلند، دانمارک، انگلستان و... نیز بهترین از این نیستند. آنها نمایندگان استعماری هستند که خفقان و دیکتاتوری استعماری را به اقصی نقاط جهان هدیه بردند و مردم بومی این کشورها را که باندازه مردم کشور ما حق حیات داشتند بیشرمانه و به وحشیانه ترین وضعی از دم تیغ بیدریغ استعمار گذراندند. آیا استعمار و چپاول، آدمکشی و نابود کردن بشریت مغایرتی با دموکراسی ندارد؟

گفته می شود همه جمهوریخواهان دموکرات نیستند و الزاما همه سلطنت طلبان نیز ضد دموکرات نخواهند بود. بد و خوب در همه جا وجود دارند. و ما اضافه می کنیم آری چنین است ما آدمکشهای خوب داریم و آدمکشهای بد داریم، ما فاشیستهای دموکرات داریم و فاشیستهای ضد دموکرات داریم. ما در میان نازیها آدمخوار جناح چپ داریم و جناح راست داریم. ما در میان استعمارگران چپی و راستی داریم. باین جهت جای سلطنت طلبان ایران نه در کنار خلق ایران بلکه در کنار فاشیستهای “خوب”، فاشیستهای “دموکرات”، نازیهای “چپ” و استعمارگران “چپ دموکرات” است. چنین جبهه ای برازنده خاندان پهلویست که هنوز از غارت ثروت مردم ما در آلف و الوف زندگی می کنند و حاضر به پس دادن هیچ حسابی نیست. خاندانی که همان شکنجه گران و مفتخوران و اندیشمندان بنای استبداد را در ایران بدور خود جمع کرده و از توانشان هنوز نیز برای توجیه رژیم سلطنت استفاده می کنند و در ضمن بدنبال دلالهای جدیدی نیز در میان روشنفکران بی مایه و درهم و صله گیر نیز هست.

مشتی عوامفریب پیدا شده اند که “بیطرفانه” می گویند ما هوادار نظر مردم هستیم، ما قیم مردم نیستیم، ما نمی خواهیم برای مردم تعیین تکلیف کنیم و بگوئیم که سلطنت را انتخاب کنند و یا جمهوری را. هر چه مردم بگویند ما آن کار را می کنیم. ما از این عوامفریبان ظاهرا دنباله رو می پرسیم آقایان! نظر مستقل خود شما چیست؟، خود شما مبلغ و توصیه گر کدام نوع حکومت هستید و آنرا برای مردم تبلیغ می کنید؟، مگر شما قیم سلطنت طلبان هستید که وکالت آنها را بعهد گرفته اید، مگر سلطنت طلبان خودشان زبان ندارند که مشتی نادان “دموکرات” را به جلوی گاری خود بسته اند؟. شما حضرات که مدعی هستید به اراده شهروندان جامعه احترام می گذارید اعتراف کنید هوادار نظام سلطنتی هستید یا هوادار جمهوری؟ شما کدام یک از این خواستها را و با کدام استدلال تبلیغ می کنید و برای جامعه ایران مفید می دانید. ما از شما می پرسیم از چه موقع آزادی بیان در نفی سلطنت طفیلی و منفور و زنگار گرفته از نظر تاریخی ادعای قیومیت برای مردم است. از چه موقع نام سانسور را دموکراسی گذارده اند. بهر صورت قبل از انتخاباتی باید نظریات موافق و مخالف گفته شود و استدلالات به مردم که در اکثریت خودشان به علت گرفتاریهای روزمره فرصت ندارند که پیگیرانه و عمیق با تحلیلهای سیاسی مشغول شوند ارائه گردد. شما آقایانی که به چهره خویش نقاب دموکراسی زده اید خود شما هوادار چگونه نظامی هستید؟ چه چیز را می خواهید برای مردم تبلیغ کنید. اگر شما جمهوری خواه واقعی هستید بهتر است سنگ جمهوری و نه سنگ سلطنت را به سینه بزنید و برای سلطنت طلبان منفور بنام دموکراسی دل نسوزانید.

این است که استناد به این سلطنتهای “دموکرات” تنها برای توجیه خیانتها و جنایات خاندان پهلویست. منظور سلطنت طلبان نیز همان روی کار آمدن و یا روی کار آوردن پهلوی هاست. آنها خجالت می کشند شفافیت بکار برند و بگویند که منظورشان روی کار آوردن مدعی بی تاج و تخت پادشاهی ایران است. واژه “سلطنت دموکراتیک” انتزاعی است بی ربط، مجرد است، براحتی رد را گم می کند ولی استفاده از نام “صفر کیلومتر” برانگیزاننده خشم خفته مردم میهن ماست، باین جهت آنها بحثهای انتزاعی را ترجیح می دهند.

ولی سلطنت طلبان ضد دموکرات این امید را بگور خواهند برد. مردم ایران هرگز ننگ سلطنت را تحمل نخواهند کرد. دیگر این سلطنت طلبان دزد و مفتخور قادر نخواهند بود ثروتهای ملی ایران را در پای روسپی های شرقی و غربی بریزند و خزانه ملت را غارت کنند. جای آنها در نزد همان اربابشان جرج بوش و آریل شارون است. حقیقت این است که هر کس که تلاش کند جائی برای سلطنت طلبان در صفوف اپوزیسیون ایران باز کند خودش را از صف اپوزیسیون مترقی ایران کنار گذارده است، می خواهد تاریخ را به عقب برگرداند و در جبهه امپریالیستها و صهیونیستها سینه می زند. ننگش باد.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری فاشیستی جمهوری اسلامی!
ننگ و نفرت بر سلطنت طلبان این حامیان کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد!
زنده باد آزادی و سوسیالیسم!

حزب کار ایران (توفان)

۲۸ مرداد ۱۳۸۸

www.toufan.org

toufan@toufan.org